

اخبار کوتاه

صادرات ۲۵۰ میلیون دلاری دانش‌بنیان‌ها

براساس اعلام گمرک ایران، میزان تجارت خارجی شرکت‌های دانش‌بنیان که در فهرست فعالان مجاز اقتصادی گمرک (AEO) قرار دارند، طی ماه‌ها ۱۴۰۱ بیش از ۵۲ هزار و ۹۳۹ تن و به ارزش بیش از ۲۴۹ میلیون و ۳۳۷ هزار دلار بوده است. روابط‌عمومی گمرک با اشاره به اینکه در حال حاضر تعداد ۶۴ شرکت دانش‌بنیان در فهرست فعالان مجاز اقتصادی گمرک (AEO) قرار دارند، نوشته است از این تعداد ۳۳ شرکت در حوزه صادرات غیرنفتی و ۵۴ شرکت در رویه واردات، دارای فعالیت تجاری بوده‌اند. طبق این آمار، در ۷ ماهه امسال از مجموع تجارت خارجی توسط شرکت‌های دانش‌بنیان، ۱۴ هزار و ۹۷۵ تن و به ارزش حدود ۴۳ میلیون و ۱۷۲ هزار دلار به صادرات غیرنفتی و ۳۷ هزار و ۹۶۴ تن به ارزش ۲۰۶ میلیون و ۱۶۵ هزار دلار به واردات اختصاص داشت. همچنین در این مدت میزان صادرات این شرکت‌ها به لحاظ وزن یک درصد کاهش و از حیث ارزش ۹۰ درصد افزایش یافته است و میزان واردات هم در این مدت به لحاظ وزن ۵ درصد و از نظر ارزش ۱۲٫۵ درصد کاهش داشته است. این گزارش می‌افزاید، هم‌اکنون گمرک ایران با هدف تسریع و تسهیل در انجام تشریفات گمرکی شرکت‌های دانش‌بنیان و حمایت حداکثری از این شرکت‌ها، تسهیلات ۱۸ گانه برای شرکت‌های دانش‌بنیان در قالب فعالان اقتصادی مجاز ارائه می‌کند.

جزئیاتی از بودجه ۱۴۰۲

تسنیم جزئیاتی از لایحه بودجه ۱۴۰۲ منتشر کرد. براساس این گزارش، کل بودجه سال ۱۴۰۲ در مجموع به ۵۰۰ هزار میلیارد تومان رسیده است. از این رقم، بودجه عمومی دولت ۲۰۰ هزار میلیارد تومان و بودجه شرکت‌ها نیز ۳۰۰ هزار میلیارد تومان خواهد بود. درآمد‌های مالیاتی حدود ۷۰۰ هزار میلیارد تومان درنظر گرفته شده که با احتساب درآمد‌های حاصل از عوارض گمرکی به ۸۲۰ هزار میلیارد تومان رسیده است.

از مجموع ۲۰۰ هزار میلیارد تومان بودجه عمومی دولت، ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان آن را هزینه‌های حقوق و دستمزد تشکیل می‌دهد، ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان دیگر نیز مربوط به سایر هزینه‌ها و ترفیق منابع و مصارف تبصره ۱ است. در بودجه نیز شاهد افزایش حقوق ۲۰درصدی هستیم. البته همچنان مدل دقیق این افزایش مشخص نیست و درنهایت باید دید که در مجلس چه تصمیمی در این خصوص گرفته می‌شود. براساس شنیده‌ها پیشنهاد ابتدایی نرخ ارز در بودجه ۲۶ هزار تومان بوده که مورد موافقت قرار نگرفته است. به‌نظر می‌رسد نرخ ۲۳ هزار تومان که در بودجه سال گذشته نیز قرار داشت در بودجه سال آینده نیز قرار خواهد داشت.

درخصوص تبصره ۱۴ باید نیز گفت که منابع آن وارد بودجه شده است اما پیگیری‌ها نشان می‌دهد این اقدام قرار نیست که تغییر به‌خصوصی ایجاد کند و تنها نظم بودجه را افزایش خواهد داد. در این بین منابع تبصره ۱۴ نیز نزدیک به ۷۰۰ هزار میلیارد تومان درنظر گرفته شده است. با توجه به اینکه ۷۰۰ هزار میلیارد تومان از تبصره ۱۴ وارد بودجه عمومی شده است و رقم هزینه‌های حقوق و دستمزد نیز ۱۰۰۰ هزار میلیارد تومان تعیین شده، به‌نظر می‌رسد که حدود ۳۰ تا ۴۰ هزار میلیارد تومان برای بحث بازخريد اوراق و همچنین بودجه عمرانی کشور درنظر گرفته شده است. یکی از نکاتی که درخصوص لایحه بودجه سال ۱۴۰۲ مطرح شده این است که در حقیقت تغییری قابل توجه در آن رخ ندهاده است و بخشی قابل توجه از رشد درآمد‌ها و هزینه‌ها مربوط به تورم سال جاری است.

سرانه آب برای هر ایرانی به ۱۲۰۰ مترمکعب در سال رسید

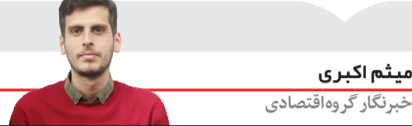
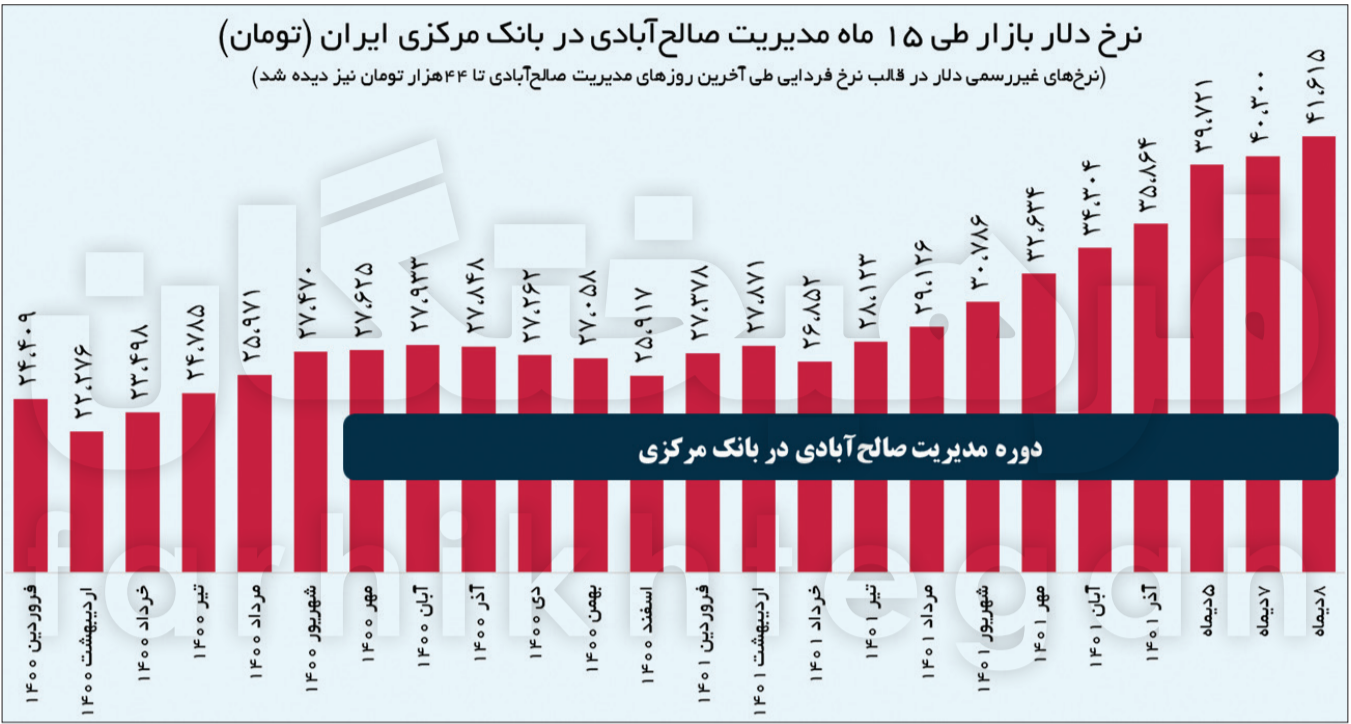
وزیر نیرو با اشاره به اینکه سرانه آب برای هر ایرانی از ۶۵۰ مترمکعب در سال به ۱۲۰۰ مترمکعب رسیده است، گفت: «امروز ۶۰ هزار روستا در کشور وجود دارد و براساس برنامه‌ریزی، میزان برخورداری آبرسانی به روستاها به حدود ۹۵ درصد جمعیت این بخش می‌رسد.» به گزارش ایسنا، علی‌اکبر محرابیان امروز در آیین گشایش هجدهمین نمایشگاه بین‌المللی تخصصی صنعت آب و تاسیسات آب و فاضلاب ایران با بیان اینکه طرح جهاد آبرسانی در ۱۰ هزار روستای کشور در حال اجراست و هم‌اکنون با پیشرفت ۲۹درصدی درحال تداوم است، افزود: «قرار است در سه سال این کار تمام شود و تعداد روستاها در طرح جهاد آبرسانی به ۱۶ هزار روستا خواهد رسید.»

محرابیان گفت: «آبرسانی به این تعداد روستا، میزان برخورداری آب روستایی را به حدود ۹۵ درصد جمعیت روستایی کشور می‌رساند. وزیر نیرو با بیان اینکه هم‌اکنون ۶۰ هزار روستا در کشور وجود دارد که فرآیند آبرسانی در بخشی از این روستاها عملیاتی و محقق شده است، ادامه داد: «امروزه شاهد تغییرات اقلیمی در سطح جهان هستیم. این تغییرات آب‌وهوایی باعث تغییرات الگوهای بارشی در جهان به‌ویژه در ایران شده است. در این شرایط ضرورت مدیریت منابع آب امری پراهمیت و غیرقابل انکار است.» وزیر نیرو ادامه داد: «کاهش بارش‌ها و افزایش تقاضای آب با توجه به رشد صنعت و اقتصاد در کشور دو مولفه‌ای است که برآیند توجه به مدیریت منابع آب را دوجندان می‌کند.» وی گفت: «اگر سرانه آب قابل برنامه‌ریزی را در طول ۵۰ سال گذشته بررسی کنیم، می‌بینیم که سرانه آب قابل مدیریت و تجدیدپذیر به‌شدت کاهش یافته و سرانه آبی که در اختیار هر ایرانی قرار می‌گیرد از حدود ۶۵۰ متر مکعب در سال به حدود ۱۲۰۰ متر مکعب رسیده است، این می‌طلبد که با روش‌های نوین بتوانیم منابع آب خود را به‌خوبی مدیریت کنیم.»

اقتصاد

دولت با تغییر رئیس کل بانک مرکزی اولین قدم اصلاح سیاست‌های اقتصادی را برداشت، حالا باید دید راهبرد فرزین در ساختمان میرداماد چیست

ثبیت نیما یا ثبات میرداماد؟



میعثم اکبری
خبرنگار گروه اقتصادی

بعد از ناآرامی‌های یک ماه اخیر در بازار ارز، سرانجام هیات دولت تصمیم گرفت تا با تغییر رئیس کل بانک مرکزی یک تغییر مهم در چینش مهره‌های اصلی تیم اقتصادی خود به‌وجود آورد تا محمدرضا فرزین جایگزین علی صالح‌آبادی در سمت ریاست ساختمان میرداماد شود. نگاهی به دوره مدیریت ۱۵ ماهه صالح‌آبادی نشان می‌دهد نرخ دلار در دوره‌ی وی با رشد قابل توجهی از حدود ۲۸ هزار تومان در مهرماه ۱۴۰۰ در بازار غیررسمی حتی نرخ‌های بالاتر از ۴۰ هزار تومان را نیز به خود دید. فرزین نیز در اولین اقدام خود با هدف سیاست تثبیت وارد عرصه‌ی مدیریتی بانک مرکزی شد تا با استفاده از میانگین نرخ یک‌ساله ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومانی در سامانه نیما، هم از تنش ارزی بازار بکاهد و هم زمینه کاهش نرخ دلار بازار و پیروی از آن نرخ نیما و نرخ مبادله‌ای را فراهم کند. در این خصوص ادعاهایی در رابطه با شباهت این نرخ ارز با دلار ۴۲۰۰ تومانی مطرح شد که می‌تواند زمینه فساد صورت‌گرفته را تکرار کند. اما مدافعان این سیاست در پاسخ منتقدان می‌گویند این تثبیت دارای انعطاف خواهد بود و اساسا به معنی اعلام یک نرخ میانگین است. البته عده‌ای نیز اعتقاد دارند این سیاست شبیه به سیاست ارزی است که در دولت احمدی‌نژاد پی گرفته شد. یعنی ارز نفتی توسط دولت در سامانه نیما به فروش برسد و احتمالا در مرکز مبادله با ارز صادرکنندگان غیرنفتی تامین نیاز کند. در هر صورت لازم است رئیس ساختمان میرداماد در کنار سیاست تثبیت، به ایجاد نظام پرداخت رسمی کشور و مدیریت صرافی‌ها توجه داشته‌باشد تا ارز ورودی به کشور هم از کیفیت کافی برخوردار باشد و هم ابزارهای کنترلی بانک مرکزی در مواقع نیاز، کارا باشد. در اینجا تاکید کنیم باید منتظر ماند تا فرزین جزئیات برنامه خود در بانک مرکزی ازجمله مدیریت بازار ارز را اعلام کند، اما تا همین جا نیز طی روز واکخیر با انتخاب فرزین به عنوان سکندار ساختمان میرداماد، دلار در بازار غیررسمی و فردایی کاهش حدود ۱۶۰۰ تومانی داشته است. به نظر می‌رسد این کاهش استقبال خوبی از رئیس جدید بانک مرکزی باشد. این استقبال در اظهارنظرهای فعالان اقتصادی و کارشناسان نیز به وضوح دیده می‌شود.

۱۵ ماه صالح‌آبادی چگونه گذشت

مهر ۱۴۰۰ بود که علی صالح‌آبادی به‌عنوان نخستین رئیس بانک مرکزی در دولت سیزدهم منصوب شد. مسئولیتی که همان زمان نیز بر سر تاخیر در انتصاب آن در میان افراد سیاسی و اقتصادی محل بحث جدی بود؛ چراکه بانک مرکزی به‌عنوان یکی از گلوگاه‌های مهم و تاثیرگذار بر وضعیت اقتصادی کشور، باید پیش از سایر بخش‌ها تعیین تکلیف می‌شد تا زمینه آماده‌سازی اجرای سیاست‌های اقتصادی را در هماهنگی کامل با سایر بخش‌های اقتصادی و مالی نظیر سازمان برنامه ووزارت اقتصاد مهیا می‌کرد. لسا تاخیر در معرفی آن به‌عنوان رئیس خوبی را از دست داد. اقتصاد ایران در دولت سیزدهم نشان نمی‌داد. به‌رحال صالح‌آبادی پس از انتصاب به این سمت و در اولین گفت‌وگوی تلویزیونی خود به‌عنوان بیستمین رئیس کل بانک مرکزی درخصوص بازار ارز که درنهایت به چشم اسفندیار مدیریتی وی تبدیل شد، گفت: «بازار را باید برای فعالان اقتصادی پیش‌بینی‌پذیر شود، بنابراین در این راستا هم سیاست‌های لازم را اتخاذ خواهیم کرد؛ البته سیاست‌های مختلفی در این زمینه وجود دارد؛ مثلا تقویت تعاملات بانکی ما با کشورهای دوست و همکار که جزء برنامه‌های جدی است و همچنین تقویت صادرات غیرنفتی کشور و تعامل با بخش خصوصی به‌سیار مهم است که ارز حاصل از صادرات غیرنفتی و عرضه آن در بازار و سامانه نیما می‌تواند به تعادل در بازار کمک کند. ما باید بتوانیم در بازار ارز تعادل در عرضه و تقاضا ایجاد کنیم تا یک آرامشی را در بازار ارز ایجاد کند.» همچنین او درخصوص سیاست ارزی بانک مرکزی بیان داشت: «ما سیاست‌های جانب عرضه‌ارز را تقویت خواهیم کرد و در جانب تقاضای ارز هم اولویت‌های کشور مدنظر قرار می‌گیرد و نگاه به تولید داخل برای توسعه هم باید داشته‌باشیم.» اما با تلاطمات اتفاق افتاده در بازار ارز که از حدود یک‌ماه گذشته آغاز شد و افزایش نرخ دلار که در روزهای تحویل گرفتن بانک مرکزی توسط صالح‌آبادی حدود ۲۸ هزار تومان بود در روز خروج وی به ۴۲ هزار تومان (نرخ‌های فردایی غیررسمی) نزدیک شد، نشان داد سیاست‌های در پیش گرفته شده نهاد ناظر بازار پولی مانند تغییر معاون ارزی بانک مرکزی، مثرم‌تر نبوده تا درنهایت محمدرضا فرزین، رئیس سابق بانک ملی به‌عنوان رئیس بانک مرکزی توسط هیات دولت انتخاب شد.

خالی از لطف نیست در اینجا نگاهی به برخی دیگر از آمارهای عملکرد دوره ۱۵ ماهه صالح‌آبادی در بانک مرکزی داشته‌باشیم. زمانی که صالح‌آبادی بانک مرکزی را در مهرماه ۱۴۰۰ تحویل گرفت دلار حدود ۲۸ هزار تومان، نقدینگی انتهای شهریورماه حول و حوش ۴ هزار و ۶۸ هزار میلیارد تومان، نرخ رشد نطقه به نقطه نقدینگی ۴۰ درصد، رشد پایه پولی ۳۹٫۵ درصد، ضریب فراینده نقدینگی ۷/۸، تورم سالانه (مرکز آمار) حدود ۴۵٫۴ درصد، رشد اقتصادی (مرکز آمار ایران) ۵٫۶ درصد، سکه ۱۱ میلیون و ۹۰۰ هزار تومان، طلای، ۱٫۸ عیار یک میلیون و ۱۶۸ هزار تومان بوده است. اگرچه این موضوع با منظور رئیس بانک مرکزی داری از صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات خود را در این بازار عرضه کرده‌اند، تامین می‌کنند. علاوه‌بر اشکال وارد ذکر شده درخصوص هدف‌گذاری نرخ ارز براساس منشأ آن، مساله دیگر به موارد مصرف آن برمی‌گردد. درخصوص اختصاص ارز باید توجه داشت در سیاست ارزی ۴۲۰۰،

سکه امامی نزدیک به ۲۲ میلیون تومان و طلای ۱۸ عیار یک میلیون و ۹۱۵ هزار تومان بوده است.

فاصله ز یاد اقدامات صالح‌آبادی با واقعیت‌ها

اگرچه صالح‌آبادی در دوران مدیریتی خود تلاش‌های زیادی برای مدیریت بازار ارز داشت تا از تحولات قیمتی جلوگیری کند، اما نتیجه رخ داده روی زمین، فاصله بسیاری با اقدامات وی دارد. شاید نکته مهم و البته مغفول در بررسی اقدام بانک مرکزی و واکنشیی که بازار به این اقدامات داده است- فارغ از بررسی اینکه حرکت قیمتی آیا توجهی به این ابزارها داشته است یا نه- نشان می‌دهد اقدامات بانک مرکزی در مدت اخیر بیش از آنکه به‌صورت بنیادی به این مشکل بپردازد جنبه تکنیکال و فنی داشته است. در واقع اگر بخواهیم ردپندهی برای ابزارهای در دست بانک مرکزی در مدیریت بازارها داشته باشیم مواردی همچون گواهی‌های مربوط به ارز و سکه در رتبه‌های بعدی یا مواردی با اقدامات عمیقی است که به‌صورت مشترک باید بین بانک مرکزی، وزارت اقتصاد، سازمان برنامه ووزارت صمت مورد اجرا قرار گیرند. اقداماتی نظیر اصلاح تنازری واردات و صادرات (تراز منفی تجارت ایران)- تا حدی که به بانک مرکزی مربوط است- و تغییر و تنوع در نقشه ارزی می‌تواند اقدام مهمی در این خصوص باشد. از آخرین اقدامات صالح‌آبادی در دوران مدیریتی خود نیز افزایش نرخ سود بانکی از ۱۸ درصد به ۲۳ درصد بود که اگرچه می‌توانست دارای اثرات مثبتی در جذب مبالغ سرگردان باشد، اما در ترتیب تصمیمات قابل اتخاذ دارای اشکالاتی نظیر اثر آن در بازارهایی نظیر بازار سرمایه، افزایش تنازری در شبکه بانکی، کاهش قدرت تسهیلات دهی بانک‌ها، تشدید رکود و... بود.

۳ برنامه ارزی رئیس جدید میرداماد

رئیس جدید بانک مرکزی در شروع به کار خود موردی را مطرح کرد که در اولین روز شروع به کار روسای بانک مرکزی کم‌سابقه بود. فرزین گفت نرخ نیما را روی ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان تثبیت خواهد کرد. این حرف رئیس جدید ساختمان میرداماد از سوی بسیاری از افراد ازجمله فعالان بازار سرمایه به‌شدت نقد نهنی شد. آن‌طور که فرزین می‌گوید، ۱-وی در نظر دارد با استفاده از سامانه نیما و در نظر داشتن نرخ ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان به نیازهای مهم و اساسی کشور نظیر تامین ارز مورد نیاز برای کالاهای اساسی و نیازهای تولیدکنندگان و سایر بخش‌های اقتصادی نظیر مواد اولیه، تجهیزات و ماشین‌آلات پاسخ دهد. همچنین طبق اظهارات وی باید ۲- سایر اولویت‌های ارزی کشور از طریق بازار مبادله ارزی (نرخ فعلی ۳۷ هزار تومان) تامین شود- و همچنین این نرخ‌ها به‌عنوان نرخ هدف بانک مرکزی برای بازار غیررسمی هم در نظر گرفته شود و درنهایت ۳- فاصله میان این دو بازار (مبادله‌ای و بازار غیررسمی) به‌سمت نرخ مبادله‌ای کاهش یافته و بازار غیررسمی کوچک و کوچک‌تر شود.

تفاوت‌های ارز فرزین با ۴۲۰۰

پس از اعلام خلاصه‌ای از موارد مدنظر فرزین در راستای ایجاد ثبات در بازار ارز، گمانه‌زنی‌هایی درخصوص تشابه و یکسان بودن آن با سیاست ارزی ۴۲۰۰ تومانی دولت دوازدهم مطرح شد. اگرچه این موضع با منظور اصلی رئیس بانک مرکزی داری تفاوت‌هایی است. از مهم‌ترین مواردی که عدم شباهت سیاست فعلی را با سیاست ۴۲۰۰ تومانی نشان می‌دهد آن است که در برهه فعلی این مبالغ به ازراهی حاصل از صادرات نفتی نمی‌شود و مربوط به موارد صادراتی غیرنفتی است. به عبارت دیگر بانک مرکزی و دولت تامین‌کننده این ارز نبوده و مبادله ارزی در سامانه نظام یکپارچه‌سازی معاملات ارزی-اختصارا نیما-انجام می‌گیرد. سامانه‌ای که از سال ۱۳۹۷ و در راستای معامله حواله‌های ارزی تشکیل شد و در واقع واردکنندگان، تقاضای ارزی خود را از صادرکنندگانی که ارز حاصل از صادرات خود را در این بازار عرضه کرده‌اند، تامین می‌کنند. علاوه‌بر اشکال وارد ذکر شده درخصوص هدف‌گذاری نرخ ارز براساس منشأ آن، مساله دیگر به موارد مصرف آن برمی‌گردد. درخصوص اختصاص ارز باید توجه داشت در سیاست ارزی ۴۲۰۰،

ارائه ارز- که ارز حاصل از صادرات نفتی و به عبارتی ارز دولتی بود- به تمام تقاضاهای سرمایه‌ای و مصرفی اختصاص داده می‌شد (در سال ۱۳۹۷) اما بنا بر آن است تا موارد استفاده از ارز نیمایی -که ارز حاصل از صادرات غیرنفتی بوده- در دوره فعلی، تنها محدود به کالاهای اساسی و سرمایه‌ای نظیر تجهیزات و ماشین‌آلات شود.

چنان‌که تا پیش از این نیز به‌همین شکل سامانه نیما در حال فعالیت بود و شرط دریافت ارز نیمایی ثبت سفارش کالای مورد نظر جهت واردات در نزد دستگاه‌های مربوطه بوده چنان‌که در وضعیت فعلی نیز عرضه ارز بیش از مقدار تقاضا است. مرور نقد‌های انجام شده درخصوص سخنان فرزین نشان می‌دهد عمده نقد‌ها و اعتراض‌ها به اظهارات وی در مورد تثبیت نرخ ارز نیمایی روی عدد ۲۸ هزار و ۵۰۰ تومان بوده است. اما ظاهرا برداشته‌ها از اولین اظهارات فرزین تا حدودی اشتباه بوده است. برخی از کارشناسان می‌گویند به احتمال زیاد رئیس جدید بانک مرکزی یک نرخ میانگین برای دلار نیمایی تعیین کرده است و قطعات رار دولت با نرخ ارز نیمایی شبیه به ارز ۴۲۰۰ نخواهد بود. باید توجه داشت این تثبیت نرخ قطعا نمی‌تواند بدون انعطاف باشد؛ چرا که مرور اظهارات قبلی شخص فرزین نیز نشان می‌دهد وی به سیاست ارز ۴۲۰۰ و میکخوب کردن ارز روی یک عدد بدون انعطاف معترض بوده و طبیعی است رئیس جدید بانک مرکزی از تجربه شکست‌خورده سیاست ارزی قبلی درس بگیرد. اینکه چرا تثبیت نرخ ارز در درازمدت روی یک عدد خاص خطرناک است باید توجه داشته باشیم این تثبیت اگر بدون توجه به واقعیت‌های تجارت خارجی، نرخ ارز مبادله‌ای و تورم در درازمدت می‌تواند در مسیر بازگشت از اختلال جدی ایجاد کرده و تمایل به بازگشت ارز را کاهش دهد.

نروم توجه جدی به نظام پرداخت رسمی

یکی از موارد تاثیرگذار و البته خارج از کنترل دولت و بانک مرکزی در نظام ارزی ایران، ایفای نقش پررنگ بازار ارز غیررسمی است. این بازار که در نبود نظام پرداخت رسمی فراگیر فرصت جولان یافته، علاوه‌بر آنکه خارج از نظارت نهاد ناظر است با چرخش وجوه ارزی در هزارتوی غیرقابل ردیابی صرافی‌های رسمی و غیررسمی، زمینه اقدامات خلاف آرامش بازار را فراهم می‌کند. از سوی دیگر و علیه رخ ادعای مسئولان بانک مرکزی مبنی بر عمیق نبودن بازار غیررسمی ارز، اما این بازار حداقل در فضای روانی و جهت‌دهی به قیمت‌ها نقش پررنگی دارد. چنان‌که طی روزهای اخیر و با افزایش تلاطم در این بازار اقدامات تحریک‌کننده در بازار ارز افزایش یافت تا جایی که میان‌داری این بازار را برعهده گرفت. به‌خصوص آنکه بازار ارز غیررسمی به‌عنوان یکی از مبادی خروج سرمایه از کشور شناخته می‌شود و در این میان نمی‌توان از نقش برخی صرافی‌های ها در کمک به خروج سرمایه نیز غافل شد. ناآرامی‌های ارزی که در ادوار گذشته نظیر زمستان ۱۳۹۸ و در غیاب اهرم نظارتی عملیاتی بانک مرکزی حتی با استفاده از صرافی‌های مرتبط تکرار شد. از این رویکی از اولویت‌های فرزین در بانک مرکزی که همان کم‌تر ساختن بازار ارز غیررسمی و تقویت بخش رسمی است به سرانجام نخواهد رسید مگر با گسترده شدن چتر نظارت بانک مرکزی بر تمام بازار ارز و درعین حال، افزایش سطوح نظارتی جز را رهگذار ایجاد و ساختاردهی یک نظام پرداخت رسمی نمی‌گذرد. مساله‌ای که به سرانجام رساندن آن تنها به تصمیم گیوان میرداماد ختم نمی‌شود و با سایر بخش‌های اقتصادی و حتی توافقی خارجی دولت مرتبط است.

مدیریت بانک‌ها

به اندازه بازار ارز مهم است

وضعیت فعلی بازار ارز بخش بزرگی از تمرکزها و انتظارات از بانک مرکزی را به ساماندهی بازار ارز سوق داده اما نباید از نظر دور داشت یکی از مهم‌ترین وظایف بانک مرکزی نظارت بر بانک‌ها و اطمینان از عملکرد آنها در راستای سیاست‌های اقتصادی کشور است. فرزین که خود از بانک ملی به بانک مرکزی آمده و دارای تحصیلات و تخصص رشته اقتصاد است، باید درنظر داشته باشد فعالیت شبکه بانکی ایران در بسیاری از شاخص‌ها کمتر از استانداردهای جهانی کارایی دارد. آن هم در نظام بانکی که سهم غالب را در تامین مالی خانوار و نگاه‌ها دارد فعالیت بانک‌ها یا به‌بنگاهداری و شرکت‌داری (بخوانید بانکی برای تامین مالی



خود) محدود شده، یا با داشتن راهبردهای آسیب‌زا و غیرقابلتی برخلاف سیاست‌های ابتدایی بانکداری و اقتصادی و توزیع مناسب منابع در میان مشتریان عمل کرده‌اند یا بقدر عملیات زیان‌ده داشته‌اند که فعالیت آنها بدون کمک و تکیه بر بانک مرکزی ممکن نیست. مجموع این موارد در کنار قدرت بانک‌ها در هدایت منابع از طرق مختلف به بازارهای گوناگون وضعیتی را رقم زده تا بانک مرکزی باید در برنامه‌ای علمی و عملیاتی به ساماندهی آنها به شکل‌های مختلف از قبیل اصلاح ساختاری، ادغام یا انحلال بپردازد. برنامه‌ای که اگرچه کشاینده گرده‌های نظام پولی و بانکی کشور است اما به‌هیچ‌وجه نمی‌تواند کوتاه‌مدت یا بدون مقاومت از سوی بانک‌ها و بخش‌های مرتبط باشد و لازم است به صورت میان‌مدت و حتی بلندمدت به این مساله نظاره شود.

نروم مدیریت سیاه‌چاله صرافی‌ها

همان‌گونه که ذکر شد یکی از آسیب‌های عدم وجود یک نظام پرداخت رسمی ارزی و ربالی در اقتصاد کشور آن است که تسویه و نقل و انتقال وجوه ارزی بر صرافی‌ها تکیه دارد؛ بازاری که علاوه‌بر عدم شفافیت برای بانک مرکزی به ایجاد امواج قیمتی درخصوص قیمت‌ها دامن می‌زند. مضافا آنکه به کیفیت و امنیت ارز ورودی به کشور لطمه وارد می‌سازد، چرا که در بازه‌های مختلف زمانی و برای رفع نیازهای گوناگون ارزی، به سبب عدم وجود شفافیت در منابع، تقاضای بالا برای برخی از ارزها ایجاد می‌گردد که خود به ایجاد نوسانات قیمتی اما کاذب- به دلیل نبود وجود منابع اما غیرشفاف بودن آن- خصوصا در مورد ارزهایی نظیر یوآن و درهم می‌انجامد. در سوی دیگر تکیه بر ارزهای نظیر درهم و دلار نیز با توجه به شرایط اقتصادی و سیاسی ایران آن‌ها تسویه‌های قابل‌تامل است؛ چرا که تکیه بر ارز کشورهایی که روابط غیرسازنده دارند و تمرکز جغرافیایی در تسویه ارزی بر صرافی آن کشورها، نه تضمین‌کننده امنیت ارزی نظام اقتصادی است و نه ضامن عدم شیطنت در متلالم ساختن وضعیت این بازار می‌گردد. راه چاره نیز تغییر مختصات جریان‌های ورود ارز به کشور است و صد البته آنکه باید به سرانجام رساندن آن را در بازه‌های زمانی میان‌مدت و حتی بلندمدت و هماهنگی بین دستگاه‌ها و چندوزارتخانه دید. از این‌رو و در مساله مثال‌هایی از تلاطمات ارزی ناشی از تعامل خارجی (مانند فشار امارات به صرافی‌های ایران در سال ۱۳۹۵ و افزایش نرخ ارز در تهران) جریان ارزی کشور امن نبوده و دچار عدم تعادل در نقشه ارزی هستیم. چنانکه این موضوع برای کشوری مثل ایران که به‌سبب تنگنم آمریکا ارتباط با شبکه تسویه ندارد بیشتر از سایر کشورها اهمیت دارد. اما در وضعیت فعلی و به‌جای ایجاد پایه‌های امنیت جدید در جریان‌های ارزی خارج از کشور، شاهد آن هستیم که در غیاب دلار، نظام ارزی به‌جای تکیه بر ارز یا ارزهای جهانی یا حداقل شبه‌جهان‌نوی دیگر، تکیه زیادی بر درهم و جغرافیای سیاسی آن دارد که شاید در ظاهر بیرون از مختصات آمریکا باشد، اما عملا می‌توان گفت باز هم این شبکه ارزی در ارتباط با تحت‌نظارت آمریکایی‌ها است و آمریکا می‌تواند به‌صورت غیرمستقیم و از طریق کشور ثالث به ایران ضربه بزند. مساله‌ای که با درنظر گرفتن ابعاد امنیتی اغتشاشات اخیر نمی‌توان آن را از نظر دور داشت. از این‌رو لازم است بانک مرکزی با تنوع در مسیر ارزی کشور و استقرار سیستم تسویه آن خارج از نظارت آمریکا ختم نمی‌شود و با سایر بخش‌های به خارج از خاورمیانه زمینه کاهش آسیب‌پذیری خارجی در بازار ارز را کاهش دهد. توجه داشته‌باشیم به گفته فعالان اقتصادی، ازجمله دلایل اتفاقات تلخ در بازار ارز ایران طی ماه‌های اخیر، این دو مورد بوده است. ۱- اولی مربوط به کیفیت ارز موردنیاز است. این مورد تا حدودی توضیح داده شد که نیاز ارزی کشور در مقطعی از ارز موردنیاز تطابق ندارد. برای مثال در زمانی که تقاضای درهم زیاد است ممکن است سایر منابع ارزی به اندازه کافی باشد اما با نیاز فعلی تطابق نداشته‌باشد. ۲- مورد دوم، به اعتقاد فعالان اقتصادی، طی ماه‌های اخیر نکل صرافی‌های بزرگ به دلایل بی‌ارتباط به بازار ارز، تشدیدکننده فشار بر بازار ارز بوده است. بانک مرکزی در این وضعیت هیچ‌مانکنیم حمایتی رسمی طراحی نکرده است. فعالان اقتصادی می‌گویند بانک مرکزی در دوره فرزین باید از انفعال بازار مشکل‌آزای جلوگیری کرده و عملکرد فعالانه داشته‌باشد.